

باز نشر غوغای غزل ۱

از سنایی تا سایه

چاپ دوم غوغای غزل ۱: از سنایی تا سایه در ۴۳۲ صفحه رقعی به اهتمام سیدمحمد تولیت توسط نشر نیستان منتشر و وارد بازار کتاب شد. شایان ذکر است کتاب صوتی این اثر نیز با خوانش احسان چریکی به مدت ۱۳ ساعت و ۵۴ دقیقه و حجم ۵۷۷ مگابایت از طریق درگاه‌های فیدیبو، نوار، کتابراه و طاقچه قابل دریافت است. «غوغای غزل؛ از سنایی تا سایه» گزیده ۴۰۰ غزل از ۱۰ غزلسرای برجسته ادب فارسی است که از هر کدام به تساوی ۴۰ غزل انتخاب شده است.

این غزلسرایان عبارتند از: سنایی، عطار، مولانا، سعدی، عراقی، حافظ، فروغی، شهریار، عماد و سایه. تعداد ابیات هر غزل بین پنج تا ۱۰ بیت و مجموع ابیات کل غزل‌ها ۳۰۰۰ بیت است. به علاوه چپ‌نشر شاعران براساس تقدم تاریخی و چپ‌نشر غزل‌ها برای هر شاعر به صورت مجزا طبق ترتیب الفبایی مطلع غزل‌هاست.



در مقدمه این گزیده که به اهتمام سیدمحمد تولیت انتخاب و منتشر شده آمده: در هر گزیده‌ای به ناچار ذوق و سلیقه گزینش‌کننده دخیل است و این کتاب هم از این قاعده مستثنا نیست. اما چیزی که نگارنده در انتخاب غزل‌ها متکی به آن بوده چیزی نبوده است مگر مصلحت وقت.

تمام همت بر آن گماشته شد تا غزل‌ها و بیت‌هایی گزینش شود که پیش و بیش از هر چیز وقت مخاطب را خوش کند.

به همین منظور چندی از غزل‌های شاخص هر شاعر چه از لحاظ محتوا چه از لحاظ فرم که بیانگر سبک شخصی اوست در این گزیده دیده نمی‌شود.

فی‌المثل در باب حافظ غزل در سرای مغان رفته بود و آب‌زده... که از غزل‌های خاص خواجه است در این گزیده نیست و غزل نفس برآمد و کام از تو بر نمی‌آید... که در اوج ملاحظت است انتخاب شده است.

عشق بماهو عشق زمینه اصلی غزل است. این‌که چرا از این ۱۰ غزلسرا گزینش شده است نیز به عشق برمی‌گردد.

اظهر من الشمس است که هریک از این ۱۰ قله در طول حیات خود زلال‌ترین شاعرانگی و صدق عاطفی را داشته‌اند.

این مطلب در تمام شعرهایشان خصوصاً این گزیده به خوبی دیده می‌شود. در مورد شهریار، عماد و سایه که معاصر هستند حالات و مقامات‌شان نیز بیانگر این عشق و صدق است.

چند خط برای کتاب «تل آویو سقوط کرد»

از عشق قدس تا عشق ساره

در داستان رهبر



چند ماه پیش، تصویر کتابی که رهبر انقلاب در بازدید از نمایشگاه کتاب آن را مشاهده کردند منتشر شد. یکی از عکس‌های منتشرشده از بازدید روز دوشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۳ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از نمایشگاه کتاب تهران، تصویر رمانی است به نام «تل آویو سقوط کرد» که رهبر انقلاب در حال مشاهده آن هستند.

نسخه عربی این کتاب در بازدید سال گذشته ایشان توسط استاد آذرشب، از اساتید ادبیات عرب به رهبر انقلاب معرفی شده بود. این رمان به قلم نویسنده عرب‌زبان خانم سمیه علی‌هاشم، سناریوی آزادی فلسطین و ازبک‌نبردن موجودیت اسرائیل است و توانست جایزه جشنواره کتاب فلسطین را به دست بیاورد.

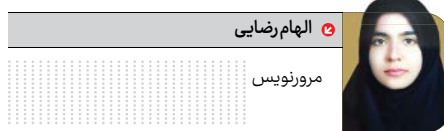
از همه این‌که سقوط گنبد آهنین با توکل به خدا امری محال و غیرممکن نیست ولی باید اعتراف کرد سخت و بسیار دشوار خواهد بود.

در حال حاضر قدرت‌های زیادی چون سرمایه‌داران جهانی از این رژیم کودک‌کش انسان‌نما حمایت می‌کنند، با وجود این، نویسنده داستان و عملیات بسیار ضعیفی برای این هدف بزرگ انتخاب کرده است که باورپذیر بودن وقایع را برای خواننده کتاب بسیار مشکل می‌کند.

نکته بعدی این‌که نویسنده در بیان حالات، ویژگی اشخاص و توصیف فضا و مکان کمتر کار کرده است. بیان جزئیات و فضاسازی مورد نظر نویسنده می‌تواند خواننده را به حال و هوای داستان ببرد.

فصل‌های کتاب در فهرست، عنوان خاصی نداشت و با فصل یک و ۲ و ۳... مشخص شده بود ولی در ابتدای هر فصل نام یکی از درهای بیت المقدس، معنی نام در و بند کوتاهی با نام در آورده شده و برای خواننده این سؤال مطرح می‌شود که نویسنده از بیان اسامی ابواب بیت المقدس، مثل باب الخلیل و باب ساهره و باب داوود نبی چه هدفی را دنبال می‌کند؟ بهتر نبود در فهرست کتاب نام درهای بیت المقدس به عنوان نام فصل‌های کتاب انتخاب شود و با توجه به معنی نام در، بند کوتاهی معنی نام در را به متن داستان مرتبط می‌ساخت؟

تل آویو سقوط کرد، آرزویی که امروز جمع بسیاری برای به واقعیت رساندنش تلاش می‌کنند، در آینده‌ای نه چندان دور تنها یک خبر می‌شود و به تمام جهان مخابره خواهد شد. ای اسرائیل بدان! به خونخواهی تمام انسان‌هایی که در آغوش مادر زمین، با این آرزو آرام گرفته‌اند روزی قدس شریف را آزاد خواهیم کرد.



الهام رضایی

مرورنویس

«تل آویو سقوط کرد» تنها عنوان این کتاب نیست بلکه این جمله، آرزوی آزادگان بسیاری در گوشه‌گوشه این زمین خاکی است. آنها که هر روز با دیدن افسارگسیختگی این رژیم منحوس، فجایع انسانی‌اش را شماره می‌کنند.

این کتاب به قلم بانو سمیه علی‌هاشم نوشته شده و سعی دارد تلاش مخفیانه گروهی از جوانان فلسطینی برای براندازی تل آویو را بازگو کند. جوانانی که فارغ از هر جهت‌گیری سیاسی، دفاع از مظلوم را سرلوحه زندگی‌شان قرار می‌دهند. کتاب تل آویو سقوط کرد رمانی است که در آن آزادی فلسطین و ازبک‌نبردن اسرائیل را دنبال می‌کند.

این کتاب در سال ۱۴۰۱ برنده جایزه جشنواره کتاب فلسطین شد. طرح این براندازی و همچنین آشناسدن این جوانان با هم در کافه‌ای قدیمی صورت می‌گیرد. کافه‌ای که صاحب آن سال‌هاست آرزوی رهایی قدس شریف را در صندوقچه سینه چون گوهری گران‌نگهبانی می‌کند. صاحب کافه سال‌ها برای مشتریان به خصوص جوان‌ترها، از خانه و سرزمین مادریشان داستان‌های شنیدنی بازگو می‌کرد.

کتاب، خاطرات کودکی یاسر و دخترخاله‌اش ساره را برایمان به تصویر می‌کشد. دو کودکی که هر روز روی تپه‌ای مشرف به حائیم وعده داشتند تا با هم از آنجا که فاصله زیادی با خانه‌های اشغال‌شده‌شان نداشت صهیونیست‌ها را در خیال خود با دست‌هایی به نشانه هفت‌تیر، هدف قرار دهند. بعد در خیال کودکان‌شان سرمست از این پیروزی، سیب قرمز گاز بزنند. برجسته‌ترین نکته کتاب را می‌شود همین بهادادن به آرزوهای کودکان دانست.

شاید آرزوی کودکان در برهه‌ای از زمان بسیار محال باشد ولی چه بسیارند آرزوهای محالی که در روزگار ما با کودکان دیروز به واقعیت پیوستند.

یاسر، شخصیت اصلی داستان، دو عشق را در دل می‌پروراند. عشق به آزادی قدس از چنگال غاصبان و عشق دوران کودکی‌اش ساره. عشق دوم را همان غاصبان عشق اولش با محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های شدید از او گرفته‌اند.

یاسر و دوستانش در برنامه نویسی کامپیوتر مهارت دارند و از سوی یک گروه برای انجام عملیاتی در سرزمین‌های اشغالی، دعوت به همکاری می‌شوند. آنها به طور مخفیانه خود را به شهرهای مورد نظر رسانده و عملیات را با موفقیت به انجام می‌رسانند و در نهایت تل آویو سقوط می‌کند.

در جریان داستان کتاب، نویسنده به ظلم‌های صهیونیست‌ها اشاره می‌کند. برای مثال، تاجران لبنانی که از جنبش حماس حمایت می‌کنند ولی متأسفانه بعد از چندی شناسایی شده و در کشورهای دیگر مورد حمله، جاسارت و اسارت صهیونیست‌ها قرار می‌گیرند.

انتخاب راهی که نویسنده برای سقوط تل آویو مطرح می‌کند بسیار مورد توجه است، توانایی در علوم جدید، مثل برنامه نویسی رایانه که در داستان کتاب هک کردن بانک‌های صهیونیست و... است.

چرا باید همیشه تلفات جانی جبهه مسلمان ده‌ها برابر شیطان صفتان روزگار باشد؟ چرا برنامه اصلی ما برای از پا آوردن این غده سرطانی، تمرکز روی علم و فناوری‌های جدید نیست؟ چرا باید امیدمادری، مقابل چشم هزاران خبرنگار پریپر شده ولی هیچ اعتراضی از جوامع بین‌المللی و حقوق بشر متوجه اسرائیل غاصب نمی‌شود؟

با وجود نکات مثبت کتاب، اما خلأهایی که در داستان تل آویو سقوط می‌کند در نظر خوانندگان حرفه‌ای مورد توجه است. اول

یاسر، شخصیت اصلی داستان

دو عشق را در دل می‌پروراند.

عشق به آزادی

قدس از چنگال غاصبان و عشق

دوران کودکی‌اش

ساره. عشق دوم

را همان غاصبان

عشق اولش با محدودیت‌ها

و ممنوعیت‌های شدید از او گرفته‌اند